

حمد و سپاس و درود بی قیاس مالکی را که ممالک ربع مسکون را به جهت فایده حرث و زرع و غرس اصل و ایجاد و تولید فرع بر ذریت آدم وقف نمود و تولیت و تصدی رواج آن کارگاه حکمت دستگاه بر انبیای عالی محل تنصیص شرعی کرده، آن ولایت عمیم الهدایه را بر خواجۀ عالم و واسطۀ ایجاد آدم - علیه من الصلوات افضلها و من التحية اکملها - ختم فرمود . و درود نامعدود نثار و ایثار حضرتی که نقش فص نبوتش « و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین » و طغرای غرای منشور جاه و عزتش « و لکن رسول الله و خاتم النبیین » است ، و بر آل و اولاد و عترت امجاد او نجوم سمای هدایت و ارشاد و اثمار اشجار ولایت و سداد . صلی الله علیه و آله الطاهرین الائمة المعصومین صلوة باقیة الی یوم الدین .

اما بعد مقصود از تشیید بنای این کتاب شریعت انما ذکر آن است که به موجب نص کریم « قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی » و حدیث لازم التکریم « اربعة انالهم شفیع یوم القیامة : المکرم لذریتی و القاضی لهم حوائجهم و الساعی فی امورهم عند ما اضطروا و المحب لهم بقلبه و لسانه » محبت و ولای دودمان

هدایت نشان حضرت سیدانوس و جان - صلی الله علیه و آله وسلم را  
 درین ایام سعادت احیان بندگی حضرت اعلی مرتبت خاقانی  
 سلیمان مکانی ظل سبحانی ، مؤسس قواعد کشورستانی ، مقنن  
 قوانین معدلت نشانی ، خاقان فلک قدر ملک قدرت و خسرو ستاره  
 حشر آفتاب شوکت ، جمشید تخت سروری و خورشید اوج  
 دادگستری ، انوشیروان سکندر حشمت و افراسیاب دارا صولت ،  
 شهریار مظفر مؤید کامکار ، ماحی آثار رستم و اسفندیار ، وارث  
 تاج و تخت و پادشاه عالی جاه همایون طلعت جوان بخت

### نظم

شاه دریا دل جوان بختی که هست

با علو همتش افلاک پست

نام او دیباچه دیوان عدل

حکم او سنجیده میزان عدل

همت او رسم کرم را تازه کرد

جود حاتم را بلند آوازه کرد

ناشر مناشیر الفضل و الامتنان والممثل لنص « ان الله یأمر  
 بالعدل والاحسان » ، حامی حوزة الاسلام و الایمان واسطة عقد -  
 الزمان ، داعی الخلق الی اشرف الادیان ، المستعین بعناية الله الملك  
 الرحیم الرحمان ، مظفر الدنیا والدین ، قهرمان الماء والطین ، ابوالنصر

یوسف بهادرخان - خلدالله سبحانه و اجری فی بحر السلطنة  
فلکه - ، ابن عالی حضرت پادشاه جهان پناه فلک گاه رفیع جاه ،  
وارث مالک سلیمان ، صاحب افسر کیان ، ناصر ایمان ، شاهنشاه  
مالک رقاب سپهر قدر خورشید رکاب ، قطب فلک بختیاری ، مرکز  
دایرة جهانداری ، طراز کسوت سلطنت و فرمانروایی ، نگین  
خاتم عظمت و کشور گشایی ، المختص بعناية الله الملك المنان ،  
ابوالمظفر جهان شاه پادشاه بهادرخان ابن بندگی حضرت نویان  
معلی مکان ، خسرو جمشید حشمت سکندر جاه ، پادشاه سپهر قدر  
اختر سپاه ، ماه مهر غلام بهرام انتقام ، خاقان المخافقین سلطان  
المشرقین ، مؤسس قواعد سلطنت و نامداری ، مههد معاهد عظمت  
و کامکاری ، رافع رایات رأفت و اقبال ، عاقد الویة حشمت و  
عز و اجلال ، مرآت جمال پادشاهی ، مصدوقه رحمت الهی ، المؤید  
بتأییدات الملك الدیان ، شجاعاً للسلطنة والعدالة والعظمة و الاقبال  
امیر قرا یوسف نویان قرا قویونلو روح الله ارواح السلاطین السلف  
الماضین و خلدالله تعالی ظلال جلال الخلف الباقین را داعی آن شد  
که بر وفق قضیه مرضیه «الولد الحریقتدی بآبائه الغر» به دستور اسلاف  
ماضین خود دست و لاواقتفابه دامن ایتمام و اقتدای به ذریه طاهره  
حضرت مصطفی و مرتضی و زهرا - علیهم من الصلوات انماها و من  
التحیات از کاهها - زده ، از ارواح مقدسه سابقان این دو دمان نبوت  
نشان ولایت آشیان استمداد نموده ، ذخیره نجات و رفعت درجات

خود در روز « من الذی یشفع عنده الا باذنه » تقدیم فرماید و توسل به لاحقان عترت مقدسه آن حضرت نموده ، تقرب به کبار اهل بیت ابرار و خدمت عظمای آل هدایت مآل سید ابرار و ضارب ذوالفقار علیهما افاضل صلوات الله الملك الجبار - را وسیله نیکنامی این دار بی مدار و خلاصی روز آخر بار و استقرار در دارالقرار « جنات تجری من تحتها الانهار » سازد. وفرط کیاست و حسن فراست آن پادشاه دین و ملت پناه از زمرة طاهرة « انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً » دست اعتصام به ذیل عصمت بعضی زده که با وجود حصول آن خلعت طاهره اکمام و اذیالش به طراز منقبت زاهرة « یؤتی الحکمة من یشاء و من یؤتی الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً » معلم و مطرز است و هامة همایونش به عمامة وقار « ان اکرمکم عند الله اتقاکم » معمم و معزز ،

### نظم

گر بگویم و گرنه داند عقل کین طراز لباس عزت کیست  
 هذا ابن خیر عباد الله کلهم ذاک التقی النقی الطاهر العلم  
 اعنی عالی حضرت سیادت و نقابت پناه افادت و هدایت  
 دستگاه ، فرع دوحه نبوت و امامت ، ثمره شجرة عزت و کرامت ،  
 کعبه افاضل الدنیا والدین ، قبله اهل العلم والیقین ، مظهر کلمة الله  
 العلیا ، رافع رایات العز والاعلا ، مجدد دین جده فی المائة التاسعة ،  
 صاحب الایادی و المکارم الواسعة ، سید الحکماء المتقین ، معلم

العلماء المتقين ، ينبوع الحق واليقين ، سلطان المحققين ، برهان المدققين ،  
شارح علوم الاولين و ناشرها فى الاخرين ، حجة الاسلام والمسلمين ،  
رئيس الحكماء الالهيين ، اعلم العلماء الربانيين ، خاتمة المؤلفين ، استاد  
اكابر المجتهدين ، باني مباني علوم الاصول والفروع ، مؤسس  
قواعد المعقول والمسموع ، مخدوم ارباب العمائم فى الافاق ، مقتدى  
الاجلة بالارث والاستحقاق ، استاد البشر ، العقل الحادى عشر ،  
السيد الايد القمقام ، مرتضى ممالك الاسلام ، كهف زوار بيت الله الحرام  
و بيت جده سيد الانام ، امير صدور الشريعة والحقيقة والافادة والهداية  
والدنيا والدين ابو المعالى محمد ، شيد الله اركان الاسلام بخلود  
ظلال افضاله و من الله علينا و على المسلمين ببقاء استضاءة الدنيا  
ببهجة جماله ، و اعلى درجة آبائه الكرام و اسلافه العظام ، حماة الدين  
و هداة المؤمنين و ينابيع اليقين و مخاديم المتقين ، ولا سيما على  
حضرت والده السيد المرتضى والسند المجتبى ، بدر الدجى ، شمس  
الضحى ، علم الهدى ، غوث الورى ، كهف قطبه الثرى ، هادى الدين و  
مرشد المسلمين ، مطيع الله و مطاع اعظم السلاطين ، مخدوم و سلطان  
سلاطين الواعظين ، كشاف مشكلات كلام الله رب العالمين ، مفتاح  
مغلقات احاديث سيد المرسلين ، جمال العزة المطهرة النبوية ، كمال  
الاسرة المقدسة المصطفوية ، دعامة البيوتات الطاهرة العلوية ، ملك  
اعظم النقباء ، مخدوم اكابر آل العبا ، استاد صنديد العلماء ، وارث علوم

الانبياء ، الدارج الى مدارج رحمة الله و رضوان الملك الغفور ،  
السيد الحاجي غياث الشريعة والطريقة والحقيقة والتقوى والفتوى و  
الدين منصور بن الحضرة العلية القدسيه المولوية الشيخية السيدية  
السندية العلامة الصمصامية القمقامية ، المستغنى علو ذاته وكمال  
صفاته عن الالقابية ، البحر الزاخر والعلم الماهر والطيب الطاهر ،  
حجة الحق و هادي الخلق ، السيد الحاج صدرّاً للشريعة والملة والديناو  
الدين محمد بن ابراهيم الحسنى الحسينى السجادي الدشتكى  
تعريفاً قدس الله تعالى اسرارهم و احسن فى دار المقامة جوارهم .  
پس بنا بر تقرير اين مقدمات و تتميم اين متمامات در عليا محكمة  
شريعت غراى محمدى و سميما معدلت ملت زهراى احمدى على  
صاحبها الصلاة والسلام و التحية و الاكرام و اعلاها الله فى ظل حماية  
حاميتها و اليها : المولى الاولى المطاع المتحتم الاتباع ، مستخدم  
اهل الفضل و التقى مخدم ارباب الحكم و القضا ، خليفة العجم و  
حليف الجود و الكرم ، زبدة العصبة العلية الصاعديّة ، ينبوع المكارم  
الجلية ، اعلى الله تعالى شأن الشريعة بعلو شأنه و سمو مكانه و وقف كرون  
و حبس نمود و تصدق و تسبيل فرمود تقرباً الى الله تعالى و طلباً لرضوانه  
و جلباً لشفاعة رسوله و رضاء وليه صلى الله عليهما ، اعلى حضرت  
پادشاه جهان پناه عدل پرور فضل گستر مذکور مشار الى بعض القابه  
العالية و انسابه السامية فى صدر الكتاب ، عز الحق و السلطنة و الدنيا

والدين ابوالنصر يوسف بهادرخان المزبور دام مالکاً زمام الحل  
والعقد ، والياً لولاية العهد آنچه حالت انشاءالوقف در تصرف او  
بود به حقیقت شرعیه و وراثت ملیه ، و از والدۀ ماجدۀ آن حضرت  
احلهاالله ریاض الفردوس به موجب مسأله مصححۀ شرعیه و حکم  
حاکم شرعیات المومی الی نبذمن القابہ العالیہ انتقال به آن حضرت  
سلطنت پناه یافته بود و سالها در تحت یدملکیت آن حضرت استقرار  
گرفته و تصرفات شرعیه در آن فرموده و جایز بود او را وقف نمودن  
به موجب شرع شریف و دین حنیف ، و آن تمام قریه و مزرعہای  
است معروفه به خسروآباد که واقع است در قری الاسافل از حومۀ  
شیراز مستغنی از ذکر حدود و اوصاف - لغایة الشهرة و نهاية المعرفة  
و اشتہار بدین اسم در محل خود و عدم مشارکت اسمی میان آن و  
دیگر مواضع خاصه در محل وقوع آن - با جمیع توابع و لواحق و  
مضافات و متعلقات و کافۀ ضمایم و ملحقات و اراضی و مزارع  
و تلال و وهاد وجداول و مشارب و سواقی و انهار و آبار و شرب  
مرتب بر آن از قناتی دایرہ معروفه به مزرعۀ مذکورہ کہ قنات مزبورہ  
منبع آن قریہ صغاد و اجوارست و مصب و مفتح آن قریه و مزرعہ  
مذکورہ .

و به همین طریق وقف و حبس فرمود تمام بیاض بستان مشجر  
مکروم محوط کہ معروف بوده سابقاً به صبوح آباد و الحال مشہور

است به ترکمان آباد که آن هم از موروثیات حضرت واقف است و مشتمل است بر سه بستان محوط متصل و قطعه زمین طولانی که در قبله بسائین ثلاثه است که تمام علی الاتصال واقع است در بیرون درب گوسفند و جدید از دروب شیراز و کوچه معروفه به بهشت و محدود است از قبلی به طریق خلیجان و از شمالی به محوطه معروفه به بوداستان دیوانیا و بستان معروف به بهشت و به کوچه مذکوره و به راه و لب خندق شیراز، و ممر از کوچه مذکوره معروفه به بهشت و ممری دیگر از کوچه راه خلیجان، با توابع و لواحق و مضافات با تمام اشجار مغروسه در آن از کرم و غیره که غرس مورث اعلی حضرت واقف است و به ارث شرعی به او انتقال یافته که ما از برفی الکتاب الثابت المعروف با شرب مرتب بر آن از قنات موسوم به اسم بستان مزبور که منبع آن و مفتوح نهر اعظم و مصب، بستان مذکور است،

پرو روضه منور و مشهد معطر منسوب به سلیل عنصر نبوت و ثمره اصل هدایت و فتوت، فرع دوحه امامت، گلبن گلشن عزت و کرامت، شهباز بلند پرواز اوج علم و عرفان، پناه امت آخر زمان، ملجأ ملک فارس و ملاذ قاطبه ناس، سلطان تخت شریعت، برهان و حجت حقیقت و طریقت، زهره غصن عالی پیغمبری و قره العین عصبه حسینی و حیدری، نور دیده سید المرسلین، چراغ دوده امام



المتقين، قبله قبول دعاء وكعبة حاجات عباد و اماء، سر حلقه گروه  
اعالی شكوه «انما یخشى الله من عباده العلماء» ، امام زاده معصوم  
سید میراحمد بن موسی - علیه من الله التحية والثناء - که واقع است در  
صدر محله لیلان از محلات شیراز ، و باب رفیع جنابش مواجه  
باب مسجد جامع جدید است از جوامع دارالملک شیراز از مبنیات  
پادشاه سعید شهید مغفور مبرور، وارث ملک سلیمان سلغر سلطان ،  
مظفرالدین والدين اتابك سعد بن زنگی - انار الله برهانه و ثقل  
بالحسنات میزانه - که واقع است در آخر کوچه چهار سوق اتابکی  
در وسط بلدة مذکوره، وقفی صحیح شرعی مخلص مؤبد که نبخشند و  
نفروشند و رهن نکنند و به هیچ نوع از انواع تلف، تلف ننمایند و  
زیاده از دو سال به اجاره ندهند نه در يك عقد و نه در عقود متعدده  
مختلفه کائناً من کان ، و در دو سال که مرخص در اجاره اند مطلقاً  
به هیچ حاکم ندهند و تجویز عقد ایجار آن با هیچ ترك و متغلب و  
صاحب حکم ننمایند .

و رجوع فرمود تولیت این وقف را به عالی حضرت سامی  
منقبت افادت پناه ارشاد و هدایت دستگاه حقایق و معارف آگاه ،  
مرتضی ممالک الاسلام سلطان افاضل الانام ، صدر من اتاه الحکمة  
و فصل الخطاب ، المشارالی نبذ من القابه و انسابه فی صدر الكتاب  
سید المحققین و حجة الاسلام والمسلمین ، السید صدرأ للسیادة و

النقابة و الشريعة والهداية والدين ابى المعالى محمد بن منصور بن  
محمد بن ابراهيم بن محمد بن اسحاق الحسنى الحسينى السجادى  
الدشتكى من الله على المسلمين بخلود ظلاله العالیه و اعلى درجه  
اجداده العظام فى دار المقام - و آن توليت را شرط اين وقف فرمود.  
و بندگى حضرت واقف - امنه الله تعالى من هول يوم المواقف - قريه  
و رقبه و بساتين مزبوره مع قنوات مرتبه بر آن ازيد و تصرف خود  
بيرون کرده و به موجب مقتضای شرع مطهر به تصريف عالى حضرت  
متولى مزبور داد، كما شرع الله تعالى و امر به رسوله صلوات الله عليه  
و آله ، و در تصرف متولى به حق توليت شرعيه قرار گرفت .

و شرط فرمود که آنچه از موقوفات مزبوره حاصل شود اولاً  
عمارت رقبه و قنوات و عمارت بساتين بر همه مقدم دارند و آنچه  
سبب زيادتى ريع و نفع باشد به عمل آورند، و آنچه باقى ماند متولى  
مزبور خلد الله ظلال افاداته و لازال فى مسند العلم والهداية صدرأ -  
جميع آن را به حق التدريس روضه منوره مزبوره تصرف فرمايد و در  
مصارف و مايحتاج خود صرف نمايد كما شاء و اراد، بلا مشاركت  
غيرى در آن . و مدرس روضه مقدسه احمديه مزبوره باشد و در  
هفته چهار روز به درس و افاده علوم شرعيه از حديث و تفسير و وعظ  
و تذكير و علم كلام و علوم عربيت و آنچه در دانستن كلام الله  
رب العالمين و انتقاد احاديث حضرت سيد المرسلين و نشر آثار

وارده از حضرات ائمه اهل بیت طاهرین و خصوصاً المعصومین صلوات الرحمن علیهم اجمعین اشتغال فرماید و اگر زیاده واقع شود اولی باشد .

و مقرر فرمود اعلی حضرت سلطنت پناه و اقف - امنه الله تعالی - که این تدریس و تذکیر در روضه منوره مزبوره باشد ، و اگر به سبب نزول حایلی و حصول مانعی از آن روضه مقدسه صرف درس فرماید او را جایز باشد و قدح در اصل و وقفیت و شروط آن خصوص تولیت ننماید . و این تولیت و تدریس متعلق باشد به نفس نفیس آن عالی حضرت - خلد الله تعالی ایام افاداته العالیة و فسح الله فی مدة بقائه قروناً متوالیة - مادام که در قید حیات باشد و بعد از او متعلق و مخصوص باشد به خلف صدق و خلیفه آن عالی حضرت : من خصه الله بالنفس القدسیة و بلغه فی ریعان السن الی اقصی الکمالات الانسیة ، الحکیم الغالب شاباً علی الشیخ الرئیس ، والعظیم الذی تطاول شأناً علی ارسطاطالیس ، جامع السیادتین و حایز الریاستین ، ثالث المعلمین العارج من العلم الی العین ، السید غیاثاً للافادة والهدایة والحقیقة والشریعة والحق والیقین ، سید المحققین منصور که اسن ارشد اعلم اولاد آن حضرت است خلد الله تعالی ظلال افاداته و اجتهاده الی یوم الدین و بلغه الی اعلی مدارج مراقی شأن آبائه الطاهرین ، و بعد از او از آن ارشد اعلم اولاد حضرت غیاث الافادة والاجتهاد منصور مذکور که خود تعیین نماید و به ارشادت و

اعلمیت او تنصیص فرماید. و بعد از او از آن ارشد و اعلم اولاد اولاد او باشد و بالشروط المزبور، و بعد از او از آن ارشد و اعلم اولاد اولاد او ما تعاقبوا و تناسلوا، نسلاً بعد نسل و عقباً عقباً عقب، بشرط تقدیم البطن الاعلی علی الاسفل. و اگر در طبقه از بطن اعلی ارشد باشد و اعلم نباشد تولیت از آن ارشد باشد و خود متصدی امر وقف و زراعت و عمارت بوده، از ما بقی من الاخراجات عشری به حق التدریس به عالمی که اعلم علمای بلده باشد بدهد تا به تدریس مشغول گردد. و تا قابلیت تدریس در نسل عالی حضرت متولی مزبور صدراً محمداً باشد تدریس آن به غیر عقب گرامی او رجوع نمایند. و اگر العیاذ بالله نسل حضرت متولی مزبور - بارک الله فی نسله - منقطع گردد تولیت و تدریس از آن سیدی عالم متعین البلد باشد در شیراز، و اگر در عصری متولی از بلده شیراز غایب گردد به جهت تدریس و کیلی تعیین فرماید و به موجب مصلحت خود وظیفه رساند.

و همچنین شرط فرمود بندگی حضرت واقف خلد الله تعالی ظلل افضاله علی التلید والطارف - که چون قریه و بساتین مزبوره از مفروضیات قدیم است و هرگز داخل حوزه مملکت نبوده آن را به قانون مستمره به موجب نشان علی حده که در باب معافیت و مسلمیت آن قلمی شده مستمر دانند، و همچنین حضرات عالیات

صدور و قضات و نظار و عاملان و مشرفان و متصدیان موقوفات  
از متولی آن چون مصرفی معین غیر تدریس آن روضه مقدسه ندارد  
طلب محاسبات نمایند و مشرف بر آن نگمارند و به هیچ نوع از  
انواع شناقص و مطالبات پیرامون این خیر جاری نگردند .  
و همچنین استدعا و التماس می نماید عالی حضرت گردون  
بسطت اعلی خاقانی ظل سبحانی که منشی این وقف و مبدی این  
مهرت جاریه است از حضرات اسنی مرتبات سلاطین عظام و خواقین  
عالی مقام که بعد از انقضای ایام عمر ابدی پیوند حضرت واقف ،  
سریر خلافت و تخت سلطنت به وجود مسعود ایشان مشرف خواهد  
شد و از احکام عظام که مزین مساند حکومت ملک فارس خواهند  
گشت که چون این وقف جاری خاصه جهت طلب رضای حضرت  
باری عزاسمه و انفاق بر ذریه طاهره حضرت رسالت پناهی و اولاد  
امجاد حضرت ولایت دستگاهی علیهما الصلاة والسلام و نشر علوم  
شرعیه و اعلاء معالم معارف دینیه است و حرص بر آن که عظمای  
علمای اهل بیت طاهرین در چنان مقام قدسین و مطاف کسروبین  
به درس و افاده علوم دین و اعظام شعائر شرع حضرت سید المرسلین  
علیه افضل صلوات المصلین - اشتغال فرمایند و اصل و ماده این  
خیر مبرور از خالص مال حلال موروثی حضرت واقف - امنه الله من  
هول یوم المواقف - بوده ، همواره در احکام و ابرام آن صدقات

بشرایطها جد موفور فرمایند و سعی مشکور به تقدیم رسانند و در رفع و دفع اطماع و اغراض متغلبه و متسلطه از این قلیل که ان شاء الله تعالی منتج ثواب جزیل و اجر جلیل و ذکر جمیل است اهتمام نمایند تا از نصیبه ثواب بی حساب « من احیی سنة حسنة فله اجرها و اجر من عمل بها الی یوم القیامة » محروم نباشند و از عقاب مخبر از عذاب « من احیی بدعة سیئة فله وزرها و وزر من عمل بها الی یوم القیامة » آمن گردند .

### نظم

جهان ای برادر نماند به کس      دل اندر جهان آفرین بندوبس  
و همچنین بعد انشاء الوقف و استقرار الموقوفات فی ید  
المتولی المزبور به تضرع و ابتهال سؤال از درگاه حضرت صمد  
ذوالجلال تقدس و تعالی فرمود عالی حضرت واقف که هر کس از  
حاکم و محکوم و وضع و شریف که تبدیل و تغییری در این وقف و  
شروط خصوص در امر تولیت و تدریس و عدم تلف آن و عدم ایجار  
آن زیاده از دو سال و ایجار آن مطلقاً با متغلبه و حکام و سعی در  
ابطال مفروزیت و طلب محاسبه آن از صاحب تولیت بنماید در  
نفرین و لعنت الهی و غضب و سخط حضرت رسالت پناهی و لعن  
ملائکة مقربین و لعنت خلق جن و انس اجمعین داخل باشد و حق  
سبحانه در روز جزا ایمان از او قبول ننماید و از شفاعت شافع

روز جزا بی نصیب گردد .

و همچنین شرط فرمود اعلی حضرت واقف که اگر و العیاذ بالله مشهد مزبور منهدم گردد از محصولات این موقوفات آنچه متولی صلاح داند در رأس الروضة مذکوره بر حسب رأی خود صرف نماید و به هر نوع که صلاح داند آن را باز حال عمارت آورد بی آن که هیچ آفریده را از ملوک و حکام و صدور عظام و قضات اسلام و دیگر متولیان کرام و نظار و مشرفان و عمال و غیرهم تکلیف به آن و از حضرت متولی طلب آن باشد .

و همچنین خواهر اعیانیه حضرت سطلنت پناه واقف یعنی خاتون عظمی ملکه کبری ، واضعه قوانین الخیرات ، منشته اصناف المبرات ، واسطه عقد احسان ، عقیده مملکت ایران ، دولت سلطان خاتون خلعت ظلالها - تجویز و تسویغ این وقف بشروطه نمود و تصدیق فرمود . و این جمله بعد ثبوت المقدمات و وضوح المتممات من المبدأ الی المقطع به وجهی شرعی مقرون گشت به اعلی اشهاد و حکم و تنفیذ صادر از حضرت حاکم نافذ الامر ، آن که صدر این کتاب به سجل عالی او موشح خواهد شد و این سطور تذکره للامر العالی در قلم آمد . فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه و علیهم لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین ، و الختم بالصلاة علی محمد و آله الطاهرين .

[ دستخط واقف در آغاز سند ]

هو هو - صدر الوقف والتنصيص و الشروط على وفق ما تنبئ  
عنه هذه الصحيفة الصحيحة منى طلباً لمرضات الرب سبحانه و تقرباً  
الى حضرة رسوله وآله عليهم السلام . جعلها الله حسنة مبرورة و مبررة  
مشكورة . كتبه الفقير الى رحمة ربه الديان يوسف بن جهان شاه بن  
قرايوسف نويان رحمهم الله .

[ گواهی ها : ]

(۱) بسم الله - الحمد لله والصلاة على صدر الرسل محمد المنصور  
على من عاداه وآله وصحبه ومن تولاہ . وبعد فقد ثبت و صح مضمون  
هذا الكتاب من المفتوح الى المختتم بوجه شرعى دينى فاحكمت  
قواعده بالحكم والتنفيذ والاشهاد وبه اشهاداً عليه الاعتماد . حرره  
السائل من الله المنان خلود ظلال على حضرت الواقف السلطان خير  
سلاطين الزمان اعدل خواقين الدوران مستعبداً لامم بالا حسان على بن  
محمد بن على بن محمد بن صاعد . . . فى شهر محرم سنة تسع و ستين  
و ثمانمائة .

(۲) مضمون تلك الوقفية الدينية الالامعة من مطالع سطورها  
لوامع الصدق والسداد ومكنون هذه الوثيقة الانيقة الاسلامية الفاتحة  
عن ازهار حروفها نسامم الحق والاعتداد ثابت لدى صحيح بين يدي  
بوجه وجيه لا يتطرق اليه الشك والارتياب مشهداً بثبات قواعدها و



ثبوت مقاصدها منفذاً لمضمونه منهيًا لممكنونه ، و انالراجى عفوره  
يوم التلاقى على الشهير بالشريف الباقي غفر الله له و لوالديه . ويرحم  
الله عبداً قال آمينا .

(٣) الوقفية المسطورة مستفيضة شايعة من المشهورات المعلومة  
المسموعة ثابتة عند محرره الفقير الى الله جمال بن سراج بن اصيل  
عفى عنهم .